

بازارچه فرآورده‌های کشاورزی و دامی در بولوار حافظ برپا شده است

فرصتی برای خرید بدون واسطه



عیدگاه

مجید رضایی، فروشنده میوه فروشی، وقتی متوجه گفت و گوی ما با صنم خانم می شود، درباره قیمت میوه‌ها این طور توضیح می دهد: این پرتقال را می بینید، کیلویی ۵۰ هزار تومان. خودم قبل از عید به شمال کشور رفتم و به طور مستقیم محصول را از باغ دار خریدم. می دانم اقلام دیگری مانند تخم مرغ و مرغ هم به طور مستقیم از مرغداری‌ها تأمین می شود و برنج بازار هم خودش شالی کاری دارد؛ به همین دلیل اقلام با قیمت مناسب تری به دست مشتری می رسد.

● عرضه مستقیم کالا

درباره کم و کیف راه اندازی این بازارچه نوروزی با مدیرعامل سازمان سامان دهی مشاغل شهری و فرآورده کشاورزی شهرداری مشهد گفت و گو کردیم. عارف عباسی درباره این بازار به ما می گوید: هدف از راه اندازی بازارچه نوروزی در بولوار حافظ، دسترسی آسان مردم به محصولات تازه، حذف واسطه‌ها و حمایت از تولیدکنندگان و ایجاد فضای رقابتی سالم به نفع مصرف کنندگان است. در کل باید اشاره کرد که این بازارچه هانقش پرننگی در به تعادل رسیدن قیمت های اقلام خوراکی در ایام نوروز دارد.

عباسی با بیان اینکه این مجموعه با استقبال اهالی محله آب و برق و محلات مجاور روبه رفته است، بیان می کند: این بازارچه از ۵ فروردین آغاز به کار کرده است و تا ۲۵ فروردین ادامه دارد. صحبت هایی درباره ادامه کار این بازارچه مطرح است که به حمایت و کمک های شهرداری منطقه ۹ و تداوم استقبال اهالی بستگی دارد.

او دلیل قیمت مناسب محصولاتش را این طور توضیح می دهد: در این بازار، اجاره غرفه ها منصفانه است. اصلاً قرار ما با شهرداری این است که هزینه غرفه ها اندک باشد و به جای آن، ما محصولات را با قیمت و کیفیت مناسب تری در اختیار شهروندان بگذاریم.

● پرتقال را از باغ دار خریدم

کمی آن طرف تر، غرفه میوه و تره بار است. روی جعبه سیب زمینی ها بزرگ نوشته است: «کیلویی ۴۰ تومان». صنم نعمتی که خانه اش در خیابان حافظ ۱۵ است، از قیمت مناسب اقلام در این بازار تعریف می کند و می گوید: میوه فروشی سر خیابان، سیب زمینی را کیلویی ۷۵ هزار تومان می فروشد. اینجا خیلی ارزان تر است؛ پیاز و گوجه فرنگی و خیار نیز همین طور. هر کدام حداقل کیلویی ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان کمتر از قیمت بازار است.



رضاریاحی از ۵ فروردین امسال در میدان شهید میلانی و محله آب و برق، روزبازاری با نام بازارچه فرآورده های کشاورزی و دامی برپا است که مشتری های بسیاری دارد. این بازار محلی هر روز از ساعت ۹ صبح تا ۲۲ شب فعال است و بیست غرفه دار، محصولات مختلفشان را در آن عرضه می کنند. از شیرینی و میوه و آجیل و ترشی گرفته تا لبنیات و مرغ و ماهی و گوشت و گل و گیاه. شعار فروشنده های بازار این است که فی محصولاتشان، قیمت کف بازار است و شاید برای همین است که معمولاً مشتری از اینجا دست خالی بیرون نمی رود.

● اجاره غرفه ها منصفانه است

وقتی یک هفته قبل از عید، شهرداری به جان زمین ورزشی بدون استفاده بولوار حافظ افتاد، مردم گمان نمی کردند که این روزبازار با استقبال گرم اهالی روبه رو شود و برخی هم درخواست تمديد فعالیت آن را داشته باشند. صادق رحمانی در این بازار دو غرفه دارد که یکی ایستگاه خوش مزه بازار است؛ لواشک، ترشک و ترشی و شوری و زیتون پرورده. آقاصادق می گوید محصولاتش کار دست بانوان خانه دار و سرپرست خانوار است که در کارشان خیره هستند. غرفه دیگر آقاصادق، عرضه شیرینی خانگی است که در طعم و شکل های مختلف ارائه می شود. او می گوید: هر جعبه شیرینی که ما عرضه می کنیم، بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان از قیمت قنادی ها ارزان تر است. اگر غیر از این بود، پیش من جایزه دارید. یک جعبه شیرینی رایگان!

نوجوان موفق محله رسالت، از بهترین خاطره ورزشی اش می گوید

جشن قهرمانی در باشگاه



● بهترین خاطره ورزشی ات چیست؟

بهترین خاطره به روز بعد از مسابقات کشوری برمی گردد که من قهرمان شدم. وقتی عصر برای تمرین وارد باشگاه شدم، همه بچه ها جیغ و هورا کشیدند و من را سوراخ کردند. استاد من این جشن را برای من تدارک دیده بود و بهترین خاطره ورزشی من را رقم زد.

● چرا برخی افراد فکر می کنند ورزش کاراته برای بانوان مناسب نیست؟

چون در ورزش کاراته، ضربات سنگین و مستقیم به بدن وارد می شود، برخی فکر می کنند که بدن خانم ها تحمل این ضربات را ندارد و باعث آسیب های جدی در آن ها می شود.

● نظر خودت چیست؟

به نظر من، کاراته در خانم ها اعتماد به نفس را بیشتر می کند. من خودم از کاراته، نظم، تعادل، احترام به بزرگ تر، مهارت خشم را آموختم.

● ارتباطات با کتاب و مطالعه چطور است؟

مطالعه را خیلی دوست دارم. با خودم قرار گذاشته ام که هر شب، هشت صفحه کتاب بخوانم. من بیشتر کتاب های انگیزشی، علمی و ورزشی را می خوانم. آخرین کتابی که خواندم، نامش «باهوش» بود. کتاب های معجزه شکرگزاری، پدر پولدار پدر بی پول، رازوسرک کشیدن زیر پوست، از دیگر کتاب هایی است که به تازگی خوانده ام.

● هدف ت در زندگی چیست؟

دوست دارم دکتر زنان شوم و به بانوان سرزمینم خدمت کنم؛ در کنارش عاشق مریبگری و داوری کاراته هم هستم.

مدال طلای مسابقات کشوری است. آن قدر خاطره شیرینی است که روز و ماهش را همیشه به خاطر دارم؛ ۳ اسفند سال ۱۴۰۳. علاوه بر این چهارده مدال طلای استانی و سه مدال نقره استانی هم کسب کرده ام.

● چه چیز تو را تا این حد مشتاق حضور در باشگاه کرده است؟

اینکه الان مربی هنرچوهای تازه وارد هستم. از زمانی که کمر بند آبی می بستم، تا حالا که کمر بند مشکی می بندم و دان یک کاراته دارم. مریبگری می کنم و این برای من خیلی لذت بخش است. مربی ام، شیپهان مینا نجفی، خیلی به من روحیه می دهد و وظیفه مریبگری را به من سپرده است.



رضاریاحی در سالن کاراته محله رسالت، جایی که خیلی ها برای رؤیاهای بزرگ تلاش می کنند، نوجوانی ایستاده است که سن کم اما انگیزه ای بزرگ دارد. مانده نجفی، رزمی کار چهارده ساله ای است که با پشتکار و تمرین های مداوم توانسته است عنوان قهرمانی کشور را در رشته کاراته به دست آورد. در خانواده او ورزش جایگاه ویژه ای دارد. به طوری که خواهرش، هدیه، هم ورزش کاراته را دنبال می کند و حریف تمرینی مانده هم در باشگاه و هم در خانه محسوب می شود.

● از چه زمانی فهمیدی به کاراته علاقه داری؟

از بچگی. وقتی چهار پنج ساله بودم، در خانه با برادر بزرگم شوخی می کردم. یک بار زست رزمی کارها را گرفتم و با پا ضربه ای به برادرم زدم. داداشم جا خورد و گفت: «چقدر ضربه دست و پایت محکم است؛ فکر کنم قدرت تو از دخترهای هم سن و سالت خیلی بیشتر است». همین جمله باعث شد که به ورزش رزمی علاقه مند شوم. اولش در خانه تمرین می کردم ولی بعد از مدتی مادرم من را به باشگاه کاراته در محله مان برد و ثبت نام کرد.

● تاکنون چه مقام هایی کسب کرده ای؟

از سال ۱۴۰۲ در بسیاری از مسابقات کشوری و استانی شرکت و تواناان هجده مدال قهرمانی کسب کرده ام. یکی از آن ها